1شنبه 17/1/1404-7شوال 1446-6آوریل 2025-درس 121فقه رهبری سازمانی – موانع وشرائط اثرگذاری رهبری-مکاشفه و مدارا2

مساله 111: مدیران در مقام ایفای نقش رهبری سازمانی اثر بخش ملزم به شدت مدارا با مخالفین نفوذی هستند تا سازمان از شرارت آنها مصون باشد. و نیز مستحب است با تازه واردین به سازمان نسبت به صحت و کمال اعمالشان مدارا و مسامحه داشته باشند تا به تدریج مهارت های لازم را کسب کنند .  
شرح مساله :معلوم شد که مدارا وضدش مکاشفه به عنوان شرط و مانع صحت رهبری سازمانی هستند مدارا به معنای رفق و نرمش با مخالف برای کاهش یا دفع شرارت از او و مکاشفه به معنای اظهار مخالفت با مخالفان است. مدارا از جنود عقل و مکاشفه از جنود جهل است و مدیر مدارا گر رهبری صحیحی از خود در سازمان به جای میگذارد و انگیزش کارکنان را باعث میشود به سمت تعالی وبهبود مستمر به خلاف مدیر مکاشفه گر که رهبری ناصحیح و غیر تامی را از خود نشان میدهد که موجبات کاهش انگیزش متعالی در پیروان خود میشود . در نوبت قبل به تفقه در اخبار باب مدارا پرداختیم در این نوبت هم ادامه میدهیم :

244 وَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ع: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ إِنَّمَا فَضَّلَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ- لِشِدَّةِ مُدَارَاتِهِمْ‏ لِأَعْدَاءِ دِينِ اللَّهِ، وَ حُسْنِ تَقِيَّتِهِمْ لِأَجْلِ إِخْوَانِهِمْ فِي اللَّهِ.[[1]](#footnote-1)

اقول : به احتمال زیاد راوی از رسول خدا ص امام حسن عسکری ع است که با اعداء دین شدت مدارا را داشته اند تا از بغض آنان نسبت به شیعه کاسته شود ودوران غیبت از بحران کمتری برخوردار شود باحفظ شیعه موید این احتمال درج این حدیث در باب "مداراة النواصب " است و ناصبی ها نوعا دشمن اهل بیت وشیعه هستند که در دوران ائمه آخرین سلام الله علیهم اجمعین بیش تر بوده اند .

با توجه به اینکه رسول خدا ص همواره در جنگ با دشمنان دین خدا بوده است و در این نبوی شریف شدت مدارا با دشمنان دین را از علل تفضیل و برتری انبیاء میداند به طور عموم لعموم الانبیاء که خود خاتم آنها بوده است .چه توجیهی دارد ؟ چند احتمال هست:  
1- اعداء دین خدا ص مهاجمین و محاربین خارجی و برانداز نظام نبوی هستند نه شهروندان داخلی

2-تازه مسلمانها که جاهل به احکام و معارف دینی بوده اند نیز به طور کنایی از اعداء دین هستند لعموم :" الناس اعداء ماجهلوا" لذا مورد مدارا هستند .

3- منافقین درون نظام نبوی ص مراد از اعداء دین الله هستند که مورد شدت مدارای پیامبر خاتم بوده اند به علت دفع شرشان و هدایت احتمالی آنها

هر سه احتمال صحیح است ولی احتمال سوم قوی تر است زیرا مدارا با منافقین در سیره نبوی آشکار بوده است زیرا پیامبر ص تا پایان عمر در مدینه فاضله مشغول غزوات و سرایا با کفار بوده اند اعم از قریش و واهل کتاب به ویژه قوم یهود لذا پرداختن به جنگ و عدم مدارا با منافقین نظام تازه پای نبوی را در خطر و تهدید جدی واقع میکرد

احتمال دوم در درجه بعد از قوت قرار دارد زیرا احکام اسلام را سخت بود کامل اجرا کنند لذا مثلا در بحث تحریم مسکرات از لاتقربوا الصلوة و انتم سکاری شروع شد تا به انما الخمر و... رجس من عمل الشیطان رسید و نیز در برده داری به تدریج لغو شد با روش های مکاتبه و تدبیرو استیلاد و... و این تدریج و تسهیل باعث می شد که دین گریزی و دین ستیزی این جاهلان به احکام دین کاسته شود و این یعنی شدت مدارا با اعداء دین ناشی از جهل .[[2]](#footnote-2)

احتمال اول در درجه سوم از قوت است زیرا محاربین که غیر منافقین و اعراب تازه مسلمان هستند مصداق مدارا ی نبوی محسوب نمیشوند مگر در موارد خاص مثل صلح حدیبیه و الا تعداد زیاد غزوات وسرایا حتی در آخرین لحظات عمر شریف نشان از عدم مدارا در سیره نبوی میکند فضلا از شدت مدارا فافهم.

در نتیجه مدارا از واجب و مستحب و مکروه را شامل میشود که هر سه جایزند بسته به شرائط و اقتضاءات . (والله العالم)ُ

فتحصل : مدیران در مقام ایفای نقش رهبری سازمانی اثر بخش ملزم به شدت مدارا با مخالفین نفوذی هستند تا سازمان از شرارت آنها مصون باشد. و نیز مستحب است با تازه واردین به سازمان نسبت به صحت و کمال اعمالشان مدارا و مسامحه داشته باشند تا به تدریج مهارت های لازم را کسب کنند . (والله العالم)

برای مطالعه :

245 قَالَ الزُّهْرِيُ‏ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع: مَا عَرَفْتُ لَهُ صَدِيقاً فِي السِّرِّ وَ لَا عَدُوّاً فِي الْعَلَانِيَةِ، لِأَنَّهُ لَا أَحَدٌ يَعْرِفُهُ بِفَضَائِلِهِ الْبَاهِرَةِ- إِلَّا وَ لَا يَجِدُ بُدّاً مِنْ تَعْظِيمِهِ مِنْ شِدَّةِ مُدَارَاتِهِ‏ وَ حُسْنِ مُعَاشَرَتِهِ إِيَّاهُ، وَ أَخْذِهِ مِنَ التَّقِيَّةِ بِأَحْسَنِهَا وَ أَجْمَلِهَا.[[3]](#footnote-3)

إِنَّ اللَّهَ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدِيرٌ وَ لِقُدْرَتِهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ قَدَّرَ- مَا هُوَ أَصْلَحُ لَكُمْ فِي تَعَبُّدِهِ إِيَّاكُمْ مِنْ مُدَارَاتِهِمْ‏- وَ مُقَابَلَتِهِمْ بِالْجِدَالِ‏ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ‏.[[4]](#footnote-4)

اقول:

1. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام / 355 / [في مداراة النواصب:] ..... ص : 354 [↑](#footnote-ref-1)
2. كمال الدين و تمام النعمة / ج‏2 / 658 / 58 باب في نوادر الكتاب ..... ص : 656

   و لا بد أيضا أن يكون بين الرسول و الرسول و إن كان بينهما فترة إمام وصي يلزم الخلق حجته و يؤدي عن الرسل ما جاءوا به عن الله تعالى و ينبه عباده على ما أغفلوا و يبين لهم ما جهلوا ليعلموا أن الله عز و جل لم يتركهم سدى و لم يضرب عنهم الذكر صفحا و لم يدعهم من دينهم في شبهة و لا من فرائضه التي وظفها عليهم في حيرة و النبوة و الرسالة سنة من الله جل جلاله و الإمامة فريضة و السنن تنقطع و يجوز تركها في حالات و الفرائض لا تزول و لا تنقطع بعد محمد ص و أجل الفرائض و أعظمها خطرا الإمامة التي تؤدى بها الفرائض و السنن و بها كمل الدين و تمت النعمة فالأئمة من آل محمد ص لأنه لا نبي بعده ليحملوا العباد على محجة دينهم و يلزموهم سبيل نجاتهم و يجنبوهم موارد هلكتهم و يبينوا لهم من فرائض الله عز و جل ما شذ عن أفهامهم و يهدوهم بكتاب الله عز و جل إلى مراشد أمورهم فيكون‏

   علل الشرائع / ج‏1 / 120 / 99 باب علة إثبات الأنبياء و الرسل ص و علة اختلاف دلائلهم ..... ص : 119

   الِاخْتِصَاصَ بِالتَّوْحِيدِ إِذَا احْتَجَبَ بِنُورِهِ وَ سَمَا فِي عُلُوِّهِ وَ اسْتَتَرَ عَنْ خَلْقِهِ لِيَكُونَ لَهُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ وَ ابْتَعَثَ فِيهِمُ‏ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ‏ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيى‏ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ لِيَعْقِلَ الْعِبَادُ عَنْ رَبِّهِمْ مَا جَهِلُوا وَ عَرَفُوهُ بِرُبُوبِيَّتِهِ بَعْدَ مَا أَنْكَرُوا وَ يُوَحِّدُوهُ بِالْإِلَهِيَّةِ بَعْدَ مَا عَنَدُوا. [↑](#footnote-ref-2)
3. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام / 355 / [في مداراة النواصب:] ..... ص : 354 [↑](#footnote-ref-3)
4. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام / 515 / [سورة البقرة(2): آية 109] ..... ص : 514 [↑](#footnote-ref-4)